



تأثیر اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی

امام خمینی (ره)

بر حوزویان

(قسمت دوم)

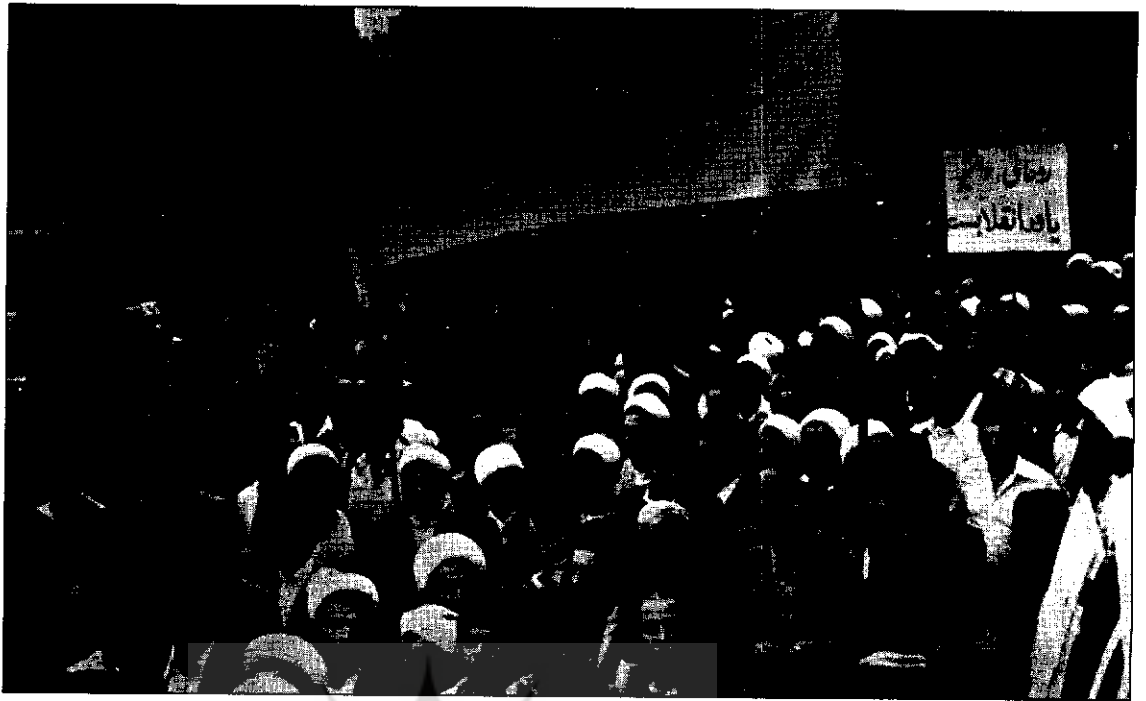
نصرت‌الله شاملی قمشبه‌ای *

این ارزشها نیز در مقاطعی خاص و در هم‌آوردی با نیروهای تجددخواه رنگ می‌بازد. راه درست تمامی حوزویان به صورت یکپارچه؛ دفاع از ارزشها و توجه به دگرگونیهای بزرگی بود که انقلاب اسلامی به همراه آورد.

برخی از آرمانهای نیروهای تجددگرا در تعالی معنوی؛ رشد علمی و تکنولوژیکی، آزادی اندیشه و توجه خاص به رشد فرایندهای علمی - صنعتی جهانی است که در آن زندگی می‌کنند، و طبعاً اگر قداست دینی و فرهنگ معنوی با این آرمانهای نسل نوگره بخورد، هیچ تهاجم فرهنگی نمی‌تواند آن را از پای درآورد. و هرگونه عرض اندام ارزشهای فرهنگی بیگانه، در واقع «زیره به کرمان بردن است.» به خاطر آوریم بعثت رسول خدا (ص) و حکومت آن یگانه اعصار را در برخورد با پدیده برده‌فروشی، که اکثر دولتها و ملت‌های آن روزگار گرفتارش بودند و در کلیه شؤون اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، برده‌فروشی امری عادی،

جامعه ما پس از انقلاب اسلامی دگرگونی عظیمی یافت. این دگرگونی در حوزه‌های علمیه از وسعت کمتری برخوردار بوده است. در واقع حوزویان در طول بیست سال گذشته پس از انقلاب اسلامی، هماهنگ با تحولات عمیق اجتماعی و سیاسی - آن‌طور که انتظار می‌رفت - متأثر نشدند، و برخی بر سنت دیرینه خود پای فشردند، یعنی به گونه‌ای، اسلوب تدریس، نوع کتابهای تألیف شده و روش تبلیغی به حالت گذشته در آنها ادامه یافت، و این موجب فاصله گرفتن گروهی از علاقه‌مندان به پیگیری برخی مسائل و نیازهای اجتماعی از آنان و تمایل آنها به قشرهای فرهنگی بی شد که دست کم با حوزویان در بسیاری از زمینه‌های فکری موافقت چندانی نداشتند. به نظر می‌رسد ظهور تجددگرایی افراطی بعد از یک مرحله افت، بار دیگر به صحنه مبارزه با ارزشهای انقلابی آمد. آنچه که با اطمینان بیشتری می‌توان گفت این است که اصل ارزشها برای اکثریت اقشار جامعه امروز ما امری مقدس و قابل احترام است، لیکن در آنجا که مدافعان و مبلغان اصلی این ارزشها کسانی باشند که مصرانه از برخی روشهای سنتی تبعیت کنند، به تدریج جوهره

* - دکترای ادبیات عرب و عضو هیأت علمی دانشکده زبان دانشگاه اصفهان.



سودمند و به دور از هرگونه خدشه به شمار می‌آمد. اسلام با اصل پذیرش آن، مبارزه‌ای حساب‌شده را در پیش گرفت که در چهارچوب آن، معتقدان و مؤمنان در برابر هر گناهی که مرتکب می‌شدند (برخی گناهان مثل روزه‌خواری) بی‌درنگ بنده‌ای را در راه خدا آزاد می‌کردند و بدین ترتیب ریشه برده‌داری از جهان اسلام در مدت نسبتاً کوتاهی برکنده شد.

در قسمت اول این نوشتار اشاره کردیم برای تأیید این گفتار می‌توان به امهات کتب فقهی مراجعه کرد. در اکثر مسائل مبتلی به آن روزه، از مطهرات و صلوة و خمس گرفته تا ارث و دیه و قصاص و حدود، نام غلام و آیه در آن به چشم می‌خورد و در هر مسأله فقهی به نوعی فقیه، خود را با آنها که به عنوان برده و کنیز مطرح بودند، مواجه می‌دید و ناچار بود حکمی را که برای حرّ صادر می‌کرد، برای مملوک و غلام نیز صادر کند. بدین ترتیب بحث حقوقی آنها پیش آمد و باوجود تفاوت‌های بسیاری که فقیهان اسلامی بین حرّ و مملوک قایل بودند، سرانجام کارشان بیرون آمدن جامعه اسلامی از پدیده شوم برده‌داری بود و این زیباترین

شکل برخورد اسلام با یکی از جنبه‌های حقوق بشر است که به پیروان خود توصیه می‌کند؛ برای جبران ارتکاب فلان جرم باید یک بنده آزاد کنی (احقاق حق انسان) یا چند مسکین را اطعام کنی (آن‌طور که در کفاره روزه‌خواری با قصد عمد تأکید شده است) که در هر صورت این کفاره، گذشته از جنبه‌های درست اقتصادی، با معنویت فرد نیز سر و کار دارد، و با تکلیف انسان را رام کرده و برای اطاعت از قانون و قانونمندی در شریعت و طریقت آماده می‌کند.^۱

با این مقدمه، حوزویان در تبلیغ دینی از حل مسأله برده‌داری در شرع اسلام، می‌باید درس بگیرند. برای تثبیت واجبات دینی در نسل نو، حساسیت به خرج دهند. ترویج هرگونه روش ناهماهنگ و نامناسب در اجرای وظایف دینی و شعایر مذهبی، قطعاً نتیجه معکوس به بار می‌آورد. در اینجا به فتوای امام خمینی (ره) درباره اقامه نماز در دستگاه‌های دولتی اشاره می‌کنیم: وقتی در

۱- ر.ک. به شرح لمعه، شهید ثانی در بابهای «مکاتبه»، «تدبیر»، «دیات»، «حتی»، «نکاح»، «طلاق» و «صوم».

کارخانه‌ای، کارگران به بهانه وقت اختصاصی نماز، تعطیل می‌کردند و یا در بانکها، هنگام ظهر مشکلاتی برای مردم ایجاد می‌شد. امام (ره) فرمودند: «دولت می‌تواند، بلکه در صورت مذکور لازم است [نماز جماعت را] الفا کند»^۲.

در غیر این صورت، اقامه نماز اجباری به هر نحو، ضایع کردن روح نماز است. این امر برای اقامه همان نماز در مدارس و جاهایی که به نحوی وضعیت مشابه دارند صدق می‌کند و کمتر نتیجه مثبتی به بار می‌آورد.

البته پدیده نوگرایی در همه جا صادق نیست. امام خمینی (ره) درباره عزاداری از خود نبوغ دیگری ابراز داشته‌اند که شگفت‌انگیز است: «حفظ عاشورا، با همان سبک سنتی»^۳. باری، عزاداری سنتی ابزار خوبی است برای احساسی کردن عقل و عقلانی کردن احساس، و این در تاریخ اسلام به عنوان روشی موفق، به خصوص در آغاز انقلاب و اوج پیروزی آن در تاسوعای حسینی سال ۱۳۵۷ قابل تحسین است.

سنتی بودن عزاداری و عبادت، موجب توسیع و تعمیق عقیده در دل جامعه می‌شود و قشرهای گوناگون اجتماعی را که حتی دارای آرمانهای تجددخواهانه هستند به گرد خود می‌خواند، تجددخواهی و آزاداندیشی، موجب کنش و واکنشهای بسیار در هر جامعه است که اگر برگرد قداستهای سنت‌گرایانه دوران کند، معجزه‌آساست. هم حرکت می‌آفریند، هم مرکزیت خود را حفظ می‌کند و هم ثبات اجتماعی و استحکام معنوی تولید می‌کند، قرآن مثال بسیار زیبایی آورده است: **مَثَلُ كَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضَلُّهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ**^۴ «سخن خوب مانند درخت پاکی است که ریشه‌اش ثابت و شاخه‌اش به سوی آسمان سر کشیده است».

اما در ادامه آنچه که در قسمت اول به آن اشاره نمودیم؛ امروز مسائل مهمی در جامعه اسلامی مطرح است که تا قبل از انقلاب اسلامی، از نظر

اغلب حوزویان چندان قابل اعتنا نبود؛ از جمله تجارت خارجی، سیاست پولی و ارزی، پیوند اعضای انسان به یکدیگر، مدیریت صنعتی و بازرگانی، ورزش بانوان، استفاده از زنان در امور نظامی و پلیسی، حقوق کودکان و مسأله کار، حقوق زنان و موضوع طلاق، کنترل مولید و بسیاری از مشکلات نرم‌افزاری جدید، موسیقی، هنر سینما، تئاتر و دیگر مقولات اجتماعی عصر ما، که اظهار نظر درباره هر کدام، نیاز به دو تخصص دارد؛ یکی اشراف بر کمیت و کیفیت موارد فوق و دیگری؛ احاطه بر فرآیند فقه و فتواست. در واقع حکم به تحریم یا مباح دادن دستاوردهای جدید از جمله موسیقی، کار مشکلی است. چرا که پدیده موسیقی با تعریف ایدئولوژی حاکم بر هر جامعه، رابطه ناگسستنی دارد. در اینجا توجه فقیه به صرف روابط حاکم بر اصول فقه و روایات موجود و سپس صدور فتوا به نظر ناکافی می‌رسد. در چنین شرایطی هرگز مقلد قانع نشده و همچنان پاسخ خواسته‌هایش همراه با هاله‌ای از ابهام و سردرگمی باقی می‌ماند، همان‌طور که یک مسأله ساده مانند پدیده موسیقی، در اذهان اغلب جوانان متدین از سالها قبل از انقلاب تا امروز لاینحل مانده و حوزه تاکنون جواب علمی مقتنع درباره آن نداده است.

برخی از حوزویان همچنان گمان می‌کنند، وظیفه اصلی آنان صرفاً حفظ دستاوردهای علمی گذشته است و لذا در قبال انتقادهای سازنده که موجب متحول شدن حوزه و گرایش عمیقتر نسل جوان به دین می‌شود دچار توجهات غیر قابل قبول می‌شوند و حتی از بیانات امام امت دستاویزی طرح می‌کنند مبنی بر اینکه «فقه سنتی باید حفظ شود». در حالی که فقه سنتی همان‌طور که در قسمت اول این نوشتار بحث شد، مانند رودخانه‌ای

۲- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۴۵.

۳- صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۶۴.

۴- سوره ابراهیم، آیه ۲۴.



در حال جریان است که هر لحظه آب تازه‌ای به آن وارد می‌شود. توجه به تاریخ و فرآیند تکوین فقه و اطوار علمی آن، نشان‌دهنده این واقعیت است که جامعه براساس نیازهای خود، موجب باروری این علم شده است. موضوعات فقهی دقیقاً منطبق بر راهکارهای جامعه اسلامی بوده که به مرور ایام بر عمق و وسعت آن افزوده شده و بر مؤمنان غیر متخصص واجب بوده از آن تبعیت کنند، که در غیر این صورت حرام‌خواری در زندگی آنان رخنه می‌کرد. فرهنگ اسلامی تقوا را با اصل تقلید از متخصص فقیه پایه‌گذاری کرده بود. حکم فقیه قانون بود و قانون لازم الاجرا، و سر باز زدن از آن معصیت و حرام. شعار الفقه ثم المتجر (ابتدا علم تجارت سپس تجارت)، بازار سنتی و اسلامی را به درجه‌ای از شکوفایی کشانده بود که بسیاری از آنان فقیه نیز بودند. و این خود موجب ترکیب دو عنصر تقوا و تجارت می‌شد و البته نتایج آن بسی درخشان بود.

محدودیت‌های شغلی جهان دیروز، محدودیت خواسته‌های نسل قبلی، و بسته بودن جوامع گذشته، علم فقه را به صورت یک علم نافع و تک‌تاز در میدان سیاست و اقتصاد و حقوق روزگار قبل از ما درآورده بود. اما امروزه این علم، آنچنان که انتظار می‌رود علی‌رغم ظرفیت بی‌نهایتی که دارد به جوابگویی برخی نیازهای بشر امروزی نمی‌پردازد. حال این سؤال مطرح می‌شود که گناه عقب‌ماندگی علوم در جوامع اسلامی به گردن کیست؟ بسیاری از روشنفکران غرب‌گرا آن را به گردن حوزه می‌اندازند. در حالی که این عقب‌ماندگی محصول نفوذ غریبان در جامعه اسلامی و تسلیم محض روشنفکران در برابر آنهاست. بنابراین نتیجه این روند چیزی جز رکود علم - که علم فقه نیز از آن مستثنی نیست - را به همراه نداشت. بسیاری از صنایع دستی داخلی، که می‌توانست نیازهای اساسی جامعه سنتی ما را حل کند، نیز دچار چنین سرنوشتی شد. وقتی اساس مشروطه و دولت مشروطه بر کسب قوانین مدنی و اقتصادی از

بیگانگان باشد، تکلیف فقه و فقاہت معلوم است. امروزه رشد سریع فن‌آوری و علم (تجربی و انسانی) تخصصی شدن ابواب فقهی را اجتناب‌ناپذیر کرده است و به نظر می‌رسد، مراجع تقلید فعلی ناگزیر باید این مسأله را بپذیرند که تجزی در اجتهاد به شکوفایی فقاہت و حقوق شرعی می‌انجامد. مطالعه در آثار امام (ره)، و بویژه رهنمودهای آن بزرگوار نشان‌دهنده حس ترقی‌خواهانه در مواضع مختلف فقهی و اقتصادی معظم‌له است. در ادامه به تبیین اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی امام (ره) در چهارچوب موضوع این نوشتار خواهیم پرداخت.

اسلام به‌عنوان یک «مکتب» از دیدگاه امام

امام خمینی (ره) به‌عنوان شخصیتی چندبعدی از دل حوزه‌های علمیه طلوع کرد. او و همفکرانش نظیر علامه طباطبائی و استاد شهید مطهری، از اسلام، مکتبی علمی ساختند که شایسته طرح در عصر جدید است. با پیشرفت علوم تجربی و فنی، و رشد فن‌آوری و تحقیقات دامنه‌دار و توسعه شهرنشینی و بروز مشکلاتی پس از آن، و بالاخره خسته‌شدن انسان ماشینی از آن‌همه غوغا و گسترش رفاه مادی، علوم انسانی در غرب به تلاش همه‌جانبه در جست‌وجوی «معنا» پرداختند ولی هر بار، انسان را گمراه‌تر ساختند. در این راستا مکاتب الحادی سربرآوردند و هر یک به زاویه‌ای از زوایای خواسته‌های انسان پرداختند و نتیجه این پردازش، ارائه کتب و مقالات متعددی است که یکی پس از دیگری انتشار یافت و هیچ‌کدام جای دین را نگرفت. با ظهور رنسانس در غرب، و به حاشیه رفتن دین (غالباً دین یهود و مسیحیت)، مکاتب مختلف فلسفی، هنری، ادبی و... انسان را از نظر اخلاقی تهی نمودند، به طوری که پوچ‌گرایی، تهی‌وارگی و ماده‌گرایی بلایی خانمانسوز شدند. خشونت‌گرایی غربی بویژه در آمریکا و بیماریهای خطرناکی چون اعتیاد و ایدز و سرطانهای غیر قابل



درمان، افسردگی و هزاران مشکل دیگر زمینه را برای پذیرش معنویت و عرفان، حاکمیت دینی و ایجاد محبت در فرد انسانها آماده کرد، بنابراین وقتی ندایی آشنا از کرانه‌های افق شرق به گوش غریبان رسید، نوای نی‌یی بود که از نیستان حقیقت حکایت می‌کرد.

امام (ره) وقتی فلسفه قیام خود را تحلیل می‌کردند، فرمودند: «ما می‌خواهیم رئیس جمهوری آمریکا آدم شود». پس فرق بسیار است میان مسیحیت و یهودیت در کشورهای غربی، و اسلام به‌عنوان دینی جامع، علمی و مکتبی در شرق. در واقع فصل ممیزه میان اسلام از سایر ادیان، همه‌جانبه بودن اسلام و توجه آن به خواسته‌های مادی و معنوی بشر است. اما مفهومی که غریبان از اسلام در ذهن داشتند، با حقیقت آن فاصله بسیار داشت. در اینجا ناگزیر به مطالب جسارت‌آمیزی اشاره می‌کنیم که گاه غریبان از اسلام تصویر کرده‌اند. تصویری که جان و روان هر مسلمان پاکدلی را می‌آزارد. با استعاده به درگاه الهی، نمونه‌ای از آن را می‌آوریم: «پیامبر اکرم (ص) [را] تصریحاً یا تلویحاً یتیم فقیری ذکر می‌کنند که از

گوسفندچرانی به شتربانی و از آن به قافله‌سالاری رسیده با حسابگری خاصی به زن ثروتمندی دست یافته، از سرزیرکی اندیشه‌هایی مأخوذ از افکار یهود و نصاری و بت پرستان عرب را به هم بافته، آنها را به رسم دین جدید و تعلیمات تازه در کتابی به نام قرآن جمع‌آوری نموده است. چون برای انتشار این مکتب نیاز به عده و عده داشته از راه قافله‌زنی و راهزنی نیازمندی مالی خود را تأمین نموده، با حيله و شیوه‌هایی مردم را جلب آیین خود کرده است...

در زمان کوتاهی با آتش و شمشیر بر مسیحیان و یهودیان و سایر ساکنان جزیره‌العرب توانست غالب گردد و همین قدرت بود که بعد از مرگ آورنده اسلام به رقابت با مسیحیان پرداخت و نه فقط بر زمینهای وسیعی استیلا یافت، بلکه با همان آتش و خون، قلمرو مسیحیت را تا حد زیادی تحت سلطه خود درآورد، مسیحیان را کشت و یا به زور اسلام را بر آنان تحمیل نمود و ریشه کلیسا را در آن اراضی برانداخت. در نتیجه دین عرب، دین قساوت خدای قهار انتقام‌گیر بر دین رأفت و مهر، یعنی دین عیسی (ع) که زاینده و مولود محبت الهی است غالب گشت. خطر اسلام از آسیا به اروپا تجاوز نمود. یعنی از طرفی اسپانیا تا

سنتی بودن عزاداری و عبادت، موجب توسیع و تعمیق عقیده در دل جامعه می‌شود و قشرهای گوناگون اجتماعی را که حتی دارای آرمانهای تجددخواهانه هستند به گرد خود می‌خواند، تجددخواهی و آزاداندیشی، موجب کنش و واکنشهای بسیار در هر جامعه است که اگر بر گرد قداستهای سنت‌گرایانه دوران کند، معجزه‌آساست. هم حرکت می‌آفریند، هم مرکزیت خود را حفظ می‌کند و هم ثبات اجتماعی و استحکام معنوی تولید می‌کند.

به‌علت پایبندی به اسلام و اعتقاد به قضا و قدر و قسمت، فاقد فعالیت علمی و عملی گشته و جزو عقب افتاده‌ترین اقوام جهان قرار گرفته‌اند، ولی از تعصب خطرناک و کورکورانه آنان نباید غافل ماند...^۵

این نمونه‌ای از تصویری است که از اسلام برای دانش‌آموزان غربی (آلمانی) از دوره دبستانی تا دبیرستان، پله به پله ساخته و پرداخته می‌شود، به طوری که فرد ساخته شده با این اندیشه، خواه ناخواه مثال زنده آن افراد مستکبری خواهد شد که به خود حق سیادت، استعمار و استثمار انسانهایی را می‌دهند که به‌علت فرورفتن در خرافاتی به نام دین، هرگز به پایه و شأن او نخواهند رسید و بنابراین استعمار و استثمار نه فقط امر بدی تلقی نمی‌گردد، بلکه حتی یک نوع کمک و نفقه از این سیه‌روزان عقب‌افتاده به حساب می‌آید.

با این تصویر، اهمیت نگاه تیزبین امام (ره) به تبلیغات اسلامی در داخل و خارج کشور معلوم می‌شود که تا چه میزان عمیق بوده است.

وقتی به آثار برخی مسیحیان مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم آنان با لجاجت و عناد سخن می‌گویند. در اینجا بهتر است قسمتی از مقاله «دو اندیشه شرق و غرب» را شاهد بیاوریم، باشد که درخشندگی سخن امام (ره) در جای خود بیشتر و بهتر ثابت گردد:

«اصالت حیات در مقایسه با مسیحیت، اصلی

حدود کشور فرانسه به دست عرب افتاد، و از طرفی دیگر قسمت شرقی و جنوبی اروپا تا دروازه شهر وین تحت سلطه ترکان قرار گرفت یا پیوسته از طرف آنان تهدید می‌شد. تهدیدی که بالمآل شامل تمام اروپا بود. قدرت‌نمایی اروپای مسیحی در بعضی از جنگهای صلیبی که به پس‌گرفتن زمین قدس مسیحیت یعنی سرزمین تولد و موت عیسی زاده خدا منجر گردید کوتاه بود. باز آن سرزمین به دست بی‌دینان (منظور مسلمانان) افتاد.

خدا خواست که بالاخره مسلمانان عرب از اسپانیا رانده شدند و ترکان مسلمان رفته‌رفته به عقب‌نشینی و از دست دادن اراضی غصب شده از طرف آنان ناگزیر گشتند. بعد از جنگ جهانی اول، عملاً ترکیه خود را از اسلام دست و پاگیر نجات داد، با تعویض خط و تبدیل شرح اسلامی به قانون اروپایی، شیوه اروپای مسیحی را پذیرفت و با این وصف، سرزمین مسیحیان (بیزانس) که از ۱۴ قرن قبل به مرور از دست مسیحیان گرفته شده بود باز تحت نفوذ اروپای مسیحی قرار گرفت. کما اینکه ممالک دیگر اسلامی نیز کم و بیش به گردن نهادن به این نفوذ علمی و معنوی و حقوقی و سیاسی ناگزیر گشتند، عملاً اسلام به حیات خود خاتمه داد! خیال اروپای مسیحیت از رقیب سرسخت راحت شد، و چون مرده‌ای تلقی گشت. ولی باز ناگهان و به‌طور غیر مترقبه‌ای، اسلام پا به عرصه نهاد و در صدد تجدید حیات برآمد و ناقوس خطر از دورادور به گوش می‌خورد. باید از حالا آماده‌ی مقابله بود و با تمام قوا از قدرتمند شدن آن جلوگیری نمود. بزرگترین نمونه خطر انقلاب اسلامی ایران است. گرچه مسلمانان

۵. به نقل از مقاله پرفسور فلاطوری، با عنوان: اسلام در مدارس آلمانی، ص ۱۳۲ به بعد، از مجله «ضرورت تبادل» کلید تفاهم فرهنگها.

اسلامی است، یعنی همان اصلی است که نیچه پیامبر نهیلیست‌ها (پوچگرایان) و به اصطلاح آن کسی که خدا و هرچه را وابسته به خداست نفی می‌کند، در ارتباط با مسیحیت و دربارهٔ اسلام می‌گوید:

اسلام دینی است که به زندگی پاسخ مثبت می‌دهد، دین مردان است، دینی است که سروران و قدرتمندان را می‌پرورد. برخلاف مسیحیت که دینی است که زندگی و حیات را طرد می‌کند و ضعفا و

نقاط قوت امام خمینی (ره) در اصلاح حوزه‌ها

جامعه در بسیاری از حالات از نظر رفتاری مانند فرد است. یکی از آفات اجتماعی، «عوام‌زدگی» است، عوام‌زدگی در نظر استاد مطهری: «از سیل‌زدگی، زلزله، مار و عقرب‌زدگی بالاتر است و این آفت‌زدگی، معلول نظام مالی حاکم بر حوزه است.»^۸

استاد شهید مطهری می‌فرماید: «روحانیت ما بر

برخی از آرمانهای نیروهای تجددگرا در تعالی معنوی؛ رشد علمی و تکنولوژیکی، آزادی اندیشه و توجه خاص به رشد فرایندهای علمی-صنعتی جهانی است که در آن زندگی می‌کنند، و طبعاً اگر قداست دینی و فرهنگ معنوی با این آرمانهای نسل نو گره بخورد، هیچ تهاجم فرهنگی‌یی نمی‌تواند آن را از پای درآورد. و هرگونه عرض اندام ارزشهای فرهنگی بیگانه، در واقع «زیره به کرمان بردن است.»

زیردستان را می‌پروراند. [برای او دین به عنوان دین مطرح نیست. ولی دو مکتب در مقابل هم برای او مطرح است.] این امر را «نیچه» براساس مطالعه‌ای که از ترجمانی از قرآن داشته و یا اطلاعاتی که در مورد اسلام داشته ذکر می‌کند، معنایش آن است که این اصل حیات اسلامی، شعاعش تا قرن ۱۹ مسیحی رسیده و هنوز هم از او استفاده می‌شود...»^۶

در سخنان نیچه می‌توان به اصل حیات در دین که منتهی‌الیه نیاز انسان را تشکیل می‌دهد رهنمون‌گشت. از نظر او انسان به دنبال کمال و ارزش و سعادت است. بدین سبب است که امام (ره) می‌فرماید: «آن که خیر همه را می‌خواهد اسلام است.»^۷

از فرازهای بالا سیاست حاکم بر تبلیغات اسلامی را می‌توان طرح‌ریزی کرد، سیاستی که مبتنی بر شناخت صحیح از دشمن باشد، ضمن آنکه به این باور رسیده باشد که اسلام دین حیات است و خیر همه را می‌خواهد. اگر حقانیت اسلام به مردم جهان عرضه شود و چهره واقعی آن روشن گردد، فطرت پاک بشر به ناچار تسلیم آن می‌شود.

اثر عوام‌زدگی آن‌گونه که شایسته است نمی‌تواند پیشرفت علمی و تبلیغی در سطح جهان بنماید. پیشینه این حوزه نشان می‌دهد که گاه عوام سر نخ حرکت حوزه را در دست داشتند و در مسائل اجتماعی و اصلاح دینی، عوام سدّ منیعی در برابر حوزه بودند. روحانیت عوام‌زده چاره‌ای ندارد از اینکه همواره سکوت را بر منطق و سکون را بر تحرّک، و نفی را بر اثبات ترجیح دهد، زیرا موافق طبیعت عوام است.»^۹

استاد مطهری سپس می‌افزاید: «مرحوم آیت‌الله حائری یزدی مؤسس حوزه علمیّه قم نقل می‌کند که ایشان به فکر افتادند به طلاب زبان خارجی آموزش دهند تا به منظور اعزام به کشورهای جهان

۶- «دو اندیشه شرق و غرب»، نامهٔ پرفسور فلاطوری، نقل از مقالات و بررسیها، نشریهٔ دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، شماره ۳۵ و ۳۶، ص ۱۵۱-۱۲۷.

۷- صحیفهٔ نور، ج ۱۸، ص ۳۵.

۸- استاد شهید مطهری، مجموعه مقالات، مشکلات اساسی سازمان روحانیت، ص ۱۰۹ به بعد.

۹- همان.

جهت تبلیغ آماده باشند. وقتی این خیر منتشر شد، گروهی از عوام به قم رفتند و رسماً اظهار داشتند پولی که ما به عنوان سهم امام می‌دهیم، برای این نیست که طلاب، زبان کفار را یاد بگیرند و اگر این وضع ادامه پیدا کند ما به شما سهم امام نخواهیم داد!!! لذا از منظور عالی خود منصرف شد.^{۱۰}

امام خمینی (ره)، عده‌ای از طلاب جوان، جهت آموزش دروس جدید، به کشورهای غربی اعزام شدند. استاد مصباح یزدی از استادان معروف حوزه قم، چند سال قبل تعدادی از طلاب مدرسه علمیه باقرالعلوم را برای آموزش فلسفه و روان‌شناسی و دیگر علوم انسانی معمول در غرب،

امروز مسائل مهمی در جامعه اسلامی مطرح است که تا قبل از انقلاب اسلامی، از نظر اغلب حوزویان چندان قابل اعتنا نبود؛ از جمله تجارت خارجی، سیاست پولی و ارزی، پیوند اعضای انسان به یکدیگر، مدیریت صنعتی و بازرگانی، ورزش بانوان، استفاده از زنان در امور نظامی و پلیسی، حقوق کودکان و مسأله کار، حقوق زنان و موضوع طلاق، کنترل موالید و بسیاری از مشکلات نرم‌افزاری جدید، موسیقی، هنر سینما، تئاتر و دیگر مقولات اجتماعی عصر ما، که اظهار نظر درباره هر کدام، نیاز به دو تخصص دارد؛ یکی اشراف بر کمیت و کیفیت موارد فوق و دیگر؛ احاطه بر فرآیند فقه و فتواست.

این موضوع در حوزه نجف به مرجعیت حضرت آیت‌الله مدیسه‌ای اصفهانی نیز اتفاق افتاد و ایشان اظهار داشتند: «تا من زنده هستم کسی حق ندارد دست به ترکیب حوزه بزند و اضافه کردند سهم امام که به طلاب داده می‌شود فقط برای فقه و اصول است نه چیز دیگر!»^{۱۱}

به کشور کانا‌دا اعزام نمود و این فصل جدیدی است در گشایش ارتباط میان اسلام و غرب. یکی از راههای مهمی که حوزه در پیش دارد، مسأله تبلیغ و ایجاد پشته‌های محکم از نظر مالی برای طلاب است که برای تأمین این هدف، حوزه ناگزیر است دو کار اساسی انجام دهد:

انقلاب اسلامی ایران تحولی شگرف در تمام زمینه‌های فرهنگی به‌وجود آورد؛ آموزش زبانهای خارجی هم‌اکنون در حوزه علمیه قم یکی از رسمی‌ترین دروس برای طلاب جوان به‌شمار می‌آید. امام خمینی (ره) در این باره فرمودند: «آموزش زبان خارجی جهت تبلیغ عبادتی بزرگ است.»^{۱۲}

۱- ایجاد پشته‌های مالی و مطمئن برای برنامه‌ریزی تبلیغ در داخل و خارج کشور.
۲- بازرگری روی مسأله خمس و بویژه زکات، کفارات، نذور و دیگر منابعی که مردم فی سبیل‌الله کمک می‌کنند.

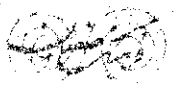
بغیر از آموزش زبان، در برخی مدارس سازمان‌یافته حوزه قم، موضوعات متنوعی از قبیل روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، حقوق تطبیقی، تاریخ، فلسفه غرب، فلسفه تاریخ، تاریخ ادیان، اخلاق و فلسفه فقه که به تازگی در ردیف سایر درسها قرار گرفته، آموزش داده می‌شود. و از این قابل توجه‌تر اینکه، به منظور عملی کردن اهداف

به‌زعم ما، مسأله دوم حایز اهمیت بسیار است و چنانچه حوزه در این باره کم‌اعتنا یا بی‌اعتنا باشد، طبق قانون تنازع بقاء، از دور رقابتهای علمی خارج و به حاشیه رانده می‌شود که در آینده نتایج جبران‌ناپذیری دارد.

در بازرگری در مسأله أخذ خمس و زکات و

۱۰- همان، ص ۱۱۱. ۱۱- همان، ص ۱۱۱.

۱۲- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۸۰.



سایر موارد، آنچه اکنون شروع آن ضروری به نظر می‌رسد؛ بحث در مصادیق خمس و زکات است. یعنی خمس و زکات به چه چیزهایی در روزگار ما تعلق می‌گیرد. با دقت بیشتر در تاریخ اخذ زکوات و اخماس و نذورات، شاید بتوان به این فکر دست یافت که بعضی موارد مندرج در توضیح المسائل و کتب فقهی، مربوط به این عصر نمی‌شود. خلاصه آنکه با کشمش و مویز و شتر و امثال آن نمی‌توان مسأله بسیار مهم زکات را که متعلقات آن در جامعه ما به افول گراییده‌اند نادیده انگاشت، آنچه موارد احتیاج جامعه بشری قرن ۲۰ و ۲۱ را از جوامع عقب مانده قبل از اسلام و جوامع اسلامی قرون اول تا هفتم متمایز می‌سازد، زندگی ماشینی و به حاشیه رفتن حیواناتی از قبیل شتر و گاو و اسب و مانند آن،

زندگی آن عصر بوده است. پس تغییر مصادیق زکات بانوجه به احتمال فوق امری قابل تأمل است. و شاید بتوان گفت ضعف تبلیغات شیعی که پایگاه آن در ایران است به دلیل ضعف مالی، و این نیز، خود معلول ضعف حاکم بر مدیریت حوزه بوده، و در همین جا است که مدیریت حوزه‌های علمیه، باید اصل تحقیق و توجه به شیوه‌های تبلیغ را برای حضور مؤثر در صحنه‌های رقابت علمی-تبلیغی جهان، شعار خود سازد.

مطلبی که نیازمند به تکرار و تذکار است، سفارش مؤکد به مسؤولان حوزه‌ها در سراسر ایران و بویژه مسؤولان حوزه مقدسه قم می‌باشد. تبلیغات در همه زمینه‌ها امروز ضعیف و نه آنچنان که باید، نظام یافته است، در حالی که دشمن با تمام

مطلبی که نیازمند به تکرار و تذکار است، سفارش مؤکد به مسؤولان حوزه‌ها در سراسر ایران و بویژه مسؤولان حوزه مقدسه قم می‌باشد. تبلیغات در همه زمینه‌ها امروز ضعیف و نه آنچنان که باید، نظام یافته است، در حالی که دشمن با تمام توان به میدان آمده و از نظر مالی مرفه و آماده کارزار است. در این کارزار میدان‌دار آن است که تجهیزات کافی در اختیار داشته و از فرماندهی و مدیریت علمی برخوردار باشد. در سربازان خود ایجاد امید، رغبت و اطمینان نماید و بداند نیازهای همفکرانش چیست تا برآورده کند، و نیز ضعف دشمنش را هم بداند تا هرچه بیشتر او را زمین‌گیر کند. متأسفانه اکنون دشمنان اسلام از چنین ویژگی‌هایی برخوردارند.

توان به میدان آمده و از نظر مالی مرفه و آماده کارزار است. در این کارزار میدان‌دار آن است که تجهیزات کافی در اختیار داشته و از فرماندهی و مدیریت علمی برخوردار باشد. در سربازان خود ایجاد امید، رغبت و اطمینان نماید و بداند نیازهای همفکرانش چیست تا برآورده کند، و نیز ضعف دشمنش را هم بداند تا هرچه بیشتر او را زمین‌گیر کند. متأسفانه اکنون دشمنان اسلام از چنین ویژگی‌هایی برخوردارند. و مقابل آنها که دوستان و

و نیز دگرگونی عظیم در شیوه غذایی مردم که غالب آن گندم و جو و خرما بوده به برنج و گوشت و پنیر و سایر لبنیات، ماهی و صنعت شیلات، امور مربوط به پتروشیمی و صنایع عظیم پلاستیک و شیشه، همچنین توجه دولتها به گوشت سفید مانند مرغ - آن هم با تولید عظیم - است که ذهن انسان را به سوی مصادیق مهم خوراکیها می‌کشاند، و استنباط می‌کند شاید نصاب زکات بر روی برخی از حیوانات و مواد غذایی به علت اهمیت آنها در

برادران‌اند، کم‌توان برای هرگونه تصمیم‌گیری. ضعف تبلیغات یا قوت آن می‌تواند دشمن را در تمام مراحل جسور و یا مایوس کند و مصداق اکمل تبلیغات ضعیف ما، مسأله نماز است که در حد سزاوار خود به آن اهمیت داده نمی‌شود؛ گویا هیچ اتفافی به نام اسلام و انقلاب اسلامی در این سرزمین نیفتاده است.

در ۲۰ سال گذشته، تبلیغات نماز تا آنجا کمرنگ بوده، که یک عضو هیأت فرانسوی که برای بازدید از دانشگاه اصفهان [در سال ۷۶] آمده بود، اظهار داشت؛ با توجه به مسافرت‌های زیادش به کشورهای اسلامی و به‌خصوص عربی، از اینکه در ایران هنگام ظهر و عصر و دیگر اوقات نماز، اذانی به گوش نمی‌رسد در شگفت است، و این در حالی

جماعت با نمازگزاران بسیار کمی برگزار می‌شود و گناه این کم‌توجهی برگردن کسانی است که قسمت بزرگی از تبلیغات اسلامی بر عهده آنهاست. یک کشور اسلامی که أم‌القرای جهان اسلام معرفی می‌شود! باید تمام مساجدش پلاک‌گذاری شود و امام جماعت داشته باشد، و در همه پنج وقت نماز آن، امام حاضر گردد و وسایل رفاه برای حاضران در مسجد فراهم شود. و اگر تعداد امام جماعت به آن اندازه نیست، این حوزه است که باید به تربیت امام جماعت و واعظ بپردازد و به‌طور قطع هم کسانی را برای وعظ و جماعت تربیت کند که جذاب باشند.

جلسات روضه‌خوانی در کشور از نظر ظاهر آن گونه که مد نظر حضرت امام (ره) بوده، نیست.

امام خمینی (ره) با حزب نیامد، اما توده‌های عظیم مردمی را به همراه خود داشت. بر آیات عظام و حجج اسلام و وعظ گرانمایه است که در نهایت سادگی زندگی کنند و ضمن حفظ سنگرهای اصلی انقلاب، از هرگونه رفاه‌طلبی که آفت بزرگی برای دین و انقلاب است بپرهیزند و این عالی‌ترین سبک تبلیغ برای مسلمانان و غیر مسلمانان است. توجه به اصل نظم و برنامه‌ریزی، تحقیق روی مبانی دینی، جامعه‌شناسی، فلسفی، عرفانی، روان‌شناسی، تاریخی و به کارگیری شیوه‌رایانه‌ای، توجه تام به مساجد و مدارس علمیه، جذب و تربیت نیروی انسانی قوی و طرد افراد فرصت‌طلب از بهترین راه‌های تبلیغ در عصرماست.

بعضی از وعاظ به مسائل کم‌اهمیت می‌پردازند که نفعی عاید مردم نمی‌کند. نتیجه این روند، گریز افراد کاوشگر و مؤمن از منبرها و مجالس وعظ است. وعاظ باید به روان‌شناسی تبلیغ اهمیت دهند و نیازهای هر قشر را بدانند و تخصص را باور داشته باشند. به مردم بیاموزند که مجلس وعظ جوان با میانسال و سالخورده تفاوت دارد، در یک مجلس

است که در کشور ترکیه [با حکومت لائیک] در هر شبانه روز ۵ مرتبه صدای اذان از مئذنه‌ها به گوش می‌رسد!!!

وضع نماز صبح و یا عصر که به اعتقاد برخی از فقها و مفسرین، از نمازهای وسطی به‌شمار می‌آید: ^{۱۳} (حافظوا علی الصلوات والصلوة الوسطی) از کمترین حفاظت برخوردار است. حتی در سحرهای ماه مبارک رمضان بسیاری از مساجد شهرهای مذهبی یا نماز جماعت ندارند و یا

۱۳- سورة بقره، آیه ۲۳۸.

عظ که اغلب پیرمردان و پیرزنان شکسته و فرتوت نشسته‌اند، بیان چند مسأله فقهی در باب حیض و نفاس و استحاضه و یا مطهرات و شکایات آنچنان دردی را درمان نمی‌کند، روایاتی که نقل می‌کنند باید مستند باشد و از بازگو کردن روایات مشکوک جداً پرهیزند. استناد به آیات قرآن با استفاده از تفاسیر معتبر، به وسیله و عاظ با علم و تجربه بسیار اهمیت دارد. حوزه باید برای کسانی که توانایی این فعالیت را دارند اجازه و عطا و خطاب صادر کند و آنان نیز موظف شوند به نیازهای دینی مردم جواب بدهند، نه اینکه از نزد خود مطالبی جسته و گریخته بگویند. همچنین حوزه از منبر رفتن کسانی که از نظر علمی و تقوایی مشکل دارند جداً جلوگیری کرده، در توسعه جلسات تفسیر قرآن، حفظ و قرائت قرآن، تفسیر حدیث و نهج البلاغه و معارف اهل بیت سخت کوشش نماید. جلسات روضه‌خوانی که از طریق موقوفات و یا سازمان اوقاف اداره می‌شود، به دلیل مجموع حساسیتها و ظرافتهای گفته شده یا ناگفته، همه باید زیر نظر حوزه باشد و درآمد موقوفات و اوضاع وقف، همه در دست مراجع تقلید و یا سازمانی باشد که حوزه آنها را اداره می‌کند. حوزه از نظر مالی می‌تواند با برنامه‌ریزی و ساماندهی مبالغ زیادی که اشخاص معتقد و مؤمن در ایام محرم و صفر و ماه مبارک رمضان، صرف ناهار هیأت‌های عزاداری و یا افطار روزه‌داران می‌کنند و جمع این وجوه و به کار انداختن آن در امور با اهمیت‌تر و فعالیت‌های دینی و اجتماعی بپردازد. و در کل کشور اعجاز نماید. اگر موضوع به خوبی توجیه شود؛ هزاران شغل جدید ایجاد می‌شود. هزاران بی‌خانمان و کسانی که از فقر زمینگیر شده‌اند نجات پیدا می‌کنند و بالاخره با سازماندهی روی تبلیغات، در نهایت ساماندهی دینی صورت خواهد گرفت و این بهترین شیوه برای جلوگیری از تهاجم فرهنگی دشمن و بیگانگان است.

از منظر دیگر، دوستان انقلاب به بخشی از

روحانیت که مسؤولیت ادارات و ارگانها را به عهده دارند، در مورد تبلیغ هشدار می‌دهند که؛ ۱- باید حواس ایشان بر این نقطه متمرکز باشد که دشمن از خفلیت آنها استفاده کرده، به تخریب جامعه روی آورده و هر جا نقطه ضعفی می‌بیند بسیار بزرگ کرده و این تبلیغی است قوی از جانب دشمن علیه روحانیت. ۲- مسؤولان روحانی، خاصه از هرگونه رفاه‌طلبی، جناح‌بازی که ارکان دین و انقلاب را خدشه‌دار می‌کند پرهیز جدی داشته باشند. یادمان باشد امام خمینی (ره) با حزب نیامد، اما توده‌های عظیم مردمی را به همراه خود داشت. بر آیات عظام و حجج اسلام و عاظ گرانمایه است که در نهایت سادگی زندگی کنند و ضمن حفظ سنگرهای اصلی انقلاب، از هرگونه رفاه‌طلبی که آفت بزرگی برای دین و انقلاب است پرهیزند و این عالی‌ترین سبک تبلیغ برای مسلمانان و غیر مسلمانان است. توجه به اصل نظم و برنامه‌ریزی، تحقیق روی مبانی دینی، جامعه‌شناسی، فلسفی، عرفانی، روان‌شناسی، تاریخی و به کارگیری شیوه‌رایانه‌ای، توجه تام به مساجد و مدارس علمیه، جذب و تربیت نیروی انسانی قوی و طرد افراد فرصت‌طلب از بهترین راههای تبلیغ در عصر ماست.

یکی از تذکارهای بزرگی که لازم است حوزویان آن را به خاطر بسپارند، مراقبه در عدم ورود طلاب غیر مستعد به جرگه روحانیت است. شاید برخی جواب دهند این تذکاری مورد است و هم اکنون در حوزه علمیه قم، جوانان مستعدی مشغول به تحصیل می‌باشند که از اقشار مؤمن و محترم و دارای سطح قابل قبولی از نظر اقتصادی‌اند. در برابر این اشکال خواهیم گفت آنچه مهم است مقایسه میان جذب طلاب در آغاز و حتی قبل از انقلاب اسلامی است و جوی که اکنون در تمام کشور در جریان می‌باشد، این افت جذب باید مد نظر متفکران حوزه باشد و برای رفع آن اندیشه نمایند.

تأثیر عرفانی امام خمینی (ره) بر حوزه‌ها

امام (ره) به عنوان یک فیلسوف برجسته و عارف کامل که عمری را به سیر و سلوک گذرانده و در عرفان نظری و عملی آثار گرانقدری تألیف کردند، شاگردان بزرگی را تربیت نمودند و آنان نیز در صحنه فرهنگ اسلامی بسیار موفق بودند. وجود شخصیت‌هایی چون استاد شهید مطهری، شهید مفتح، شهید بهشتی، شهید باهنر، شهید قدوسی و صدها شهید دیگر بهترین گواه برای موفقیت امام (ره) است. همچنین وجود استادانی چون حسن‌زاده آملی، جوادی آملی، مصباح یزدی و دهها متفکر دیگر که هم اکنون مشغول کار و تحقیق‌اند و خط عرفان و اسلام ناب محمدی (ص) را به پیش بردند. آری، درست است که نقاط ضعفی در حوزه‌ها وجود دارد، اما این امید نیز وجود دارد که از میان حوزویان و با الهام از رهنمودهای حضرت امام (ره) نوری فراگیر بدرخشد و انفجاری رخ دهد و دشمن سرتاپا مسلح را نابود سازد.

تأثیر عرفان امام (ره) پس از انقلاب اسلامی، در واقع یک انفجار علمی، ادبی، عرفانی، کلامی و فلسفی در تمام حوزه‌ها و دانشگاه‌ها و نیز عامه مردم به وجود آورد. وجود کتب و مقالات متعدد، همایش‌ها و سخنرانیهای سودمند علمی و نقد و بازسازی علوم و معارف اسلامی در این دوره، همه به همت بزرگانی بوده است که بر سر سفره آن عارف کامل نشست‌اند و حوزه در این میان نقش محوری را بازی نمود.

سرودن غزلیات عرفانی، توسط امام (ره) و به کار بردن اصطلاحات عرفانی که قرن‌ها از میان فقیهان رخت بریسته بود، جلو برخی تبلیغات سوء دشمنان روحانیت را گرفت. استفاده امام (ره) از واژه‌های خاصی چون «نی»، «میخانه» و «میکده»، «مستی عاشق»، «خراباتی»، «خرقه» و صدها واژه دیگر در غزلیات، گویای بینش وسیع عرفانی ایشان است. امام (ره) در یکی از فرازهای رهنمودهای گرانقدرش چنین فرمود:

«در قدیم خواندن فلسفه و عرفان کفر مطلق بود»^{۱۴} این «قدیم» مربوط به قرن‌های گذشته نیست، بلکه همین صدساله اخیر است که حوزه‌های شیعی دچار رکود شد و فقط اصول و فقه در آن رواج داشت و ابواب دیگر علوم، مسدود بود و یا به صورت ضعیفی آموزش داده می‌شد.

در حقیقت امام (ره) وارث عارفانی بود که در این اواخر، از آقا محمدرضا قمشه‌ای، میرزا هاشم رشتی و مرحوم شاه‌آبادی آغاز و سپس ادامه یافت، آنان در اشعاری که به فارسی می‌سرودند، اصطلاحات خاص عرفانی چون؛ «زلف»، «رخ»، «خال»، «چنگ»، «تار»، «می» و «میخانه» به کار می‌بردند که عده‌ای از فقیهان و متعصبان از آن‌ها گریز داشتند و براءت می‌جستند.

ظهور امام (ره) در عرصه عرفان و فلسفه، خط بطلان بر همه توهمات واهی آنان که اسلام را در چهارچوب تنگی محبوس نمودند کشید و ثابت کرد اسلام زنده است و حوزه‌ها موظف به زنده نگه داشتن معارف اسلامی‌اند، معارفی که بی کم و کاست، همه از کتاب و سنت برگرفته شده است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

بینا، محسن. شمع جمع، چاپ پنجم، ۱۳۷۵.

شریعتی، علی. ما و اقبال، مجموعه آثار.

شرح لمعه شهید ثانی.

صحیفه نوره، مجلدات، ۱۶، ۱۷ و ۱۸.

ضرورت تبادل و کلید تفاهم فرهنگها، مجموعه مقالات و مصاحبه‌های مرحوم پرفسور فلاطوری و مباحثات ایشان با مرحوم علامه طباطبایی (ره)

مطهری، مرتضی. مجموعه مقالات، دفتر انتشارات اسلامی، سال ۱۳۶۲.

مجلات گوناگون و روزنامه‌ها

۱۴- به نقل از شمع جمع، ص ۷۹ و ۸۰، محسن بینا.